**زندگی جدید در مسیح**

**درس 13 مشکل رنج و تهی دستی**

**چرا خدا اجازه رنج میدهد؟**

این یک سوال متداول است، که یکی از شاگردان خداوند عیسی مسیح ممکن است در زندگی با آن روبرو شود. ما میبینیم که مردم در خیلی از نقاط جهان دچار رنج می شوند و غیرمومنان به ما می‌گویند این اثبات نبود خداست و یا خدایی که توجه نمی کند- اگر او توجه می­کرد و ان اهمیت می­داد از این رنج ها جلوگیری می کرد.

پیام کتاب مقدس این است که خدا اهمیت می دهد و مراقبت می کند.

'زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانۀ خود را داد تا هر که به او ایمان آوَرَد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد. ' (یوحنا 3: 16).

عیسی تنها پسر خداست، پسر محبوب او. خداوند آنقدر از دنیا مراقبت (محبت) می‌کند که خواست فرزند گرانبهایش را برای از بین بردن گناهان ما بر روی صلیب برود.

با این حال، عدالت خدا به معنای این است که او به راحتی گناه را نادیده نمی‌گیرد و بدون مجازات رها نمی کند. بعد از گناهِ آدم و حوا، خدا به آنها گفت که خواهند ماند و زندگی سختی خواهند داشت. آدم برای غذا دادن به خانواده خود تلاش می‌کند، زمین نفرین و تولید مواد غذایی سخت‌تر می‌شود؛ و حوا در فرزندآوری مشکل پیدا می‌کند. زمانی که او این چیزها را به آنها گفت؛ و یهوه خدا فرمود:

"همچون یکی از ما شده که خوب و بد را می‌شناسند" (پیدایش3: 22).

شر به معنای دردسر یا چیزهای بد است. بعضی وقتا به خاطر نتیجه گناهان مردان و زنان و بعضی وقتا مستقیماً از طرف خدا (اشعیا 45: 7). شری که خداوند برای آدم و حوا ابد برای همه از طریق آنها آمد، که به عنوان رنج تجربه می‌کنند. از آن تغییر خداوند عواقب گناه را به مردم یادآوری می‌کند. چرا خدا این کارها را می‌کنند، ما متوجه می‌شویم مثالی از نامه­ی ایوب در این درس.

با این حال، همه بدی ها از جانب خدا حاصل نمی‌شود. و شریعت قوانین خدا را رها کرده و در زندگی ما رنج می کشیم و آن عواقب اعمال ما و اجدادمان است.

* جنگها به دلیل غرور و هوس انسان به قدرت آغاز می شود (یعقوب 4: 1).
* بسیاری از بیماری ها نتیجه رفتار ما هستند، برای مثال
	+ 1. بیماری های ما نتیجه رفتار فاسد ماست
		2. سرطان ریه بر اثر سیگار کشیدن
		3. آب آلوده دلیل اسهال خونی و وبا است
		4. یکی از دلایل عمده صرع در آفریقا، خوردن گوشت خوک آلوده به کرم انگلی است. در قانون موسی خوردن گوشت خوک به خاطر ضررهایش ممنوع بود.
* عدم بارندگی در خیلی از کشورها به دلیل قطع درختان و آلودگی هوا توسط کشورهای غربی است.

ما نمی‌توانیم خدا را به خاطر رنج هایی که از بابت این کارها ایجاد شده است مقصر بدانیم. او اراده­ی آزادانه به بشر داده و اگر ما از آن برای آسیب رساندن به خودمان استفاده کنم خدا آن را تا زمان فرستادن پسرش تحمل می‌کند تا بار دیگر زمین را خیلی خوب کند.

در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می‌پوشید. امّا اکنون به همۀ مردمان در هر جا حکم می‌کند که توبه کنند.

زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطۀ مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد، و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است. (اعمال 17: 30و31)

**مثالی از خداوند عیسی**

در انجیل در بسیاری از موارد دلسوزی عیسی مسیح را درباره مردم می خوانیم. کتاب مقدس از یک کلمه­ی عجیب برای نشان دادن اینکه این احساس از اعماق وجود او ناشی می‌شود استفاده می‌کند، به طوری که زمانی که احساس دلسوزی شدید می‌کرد از ظاهر جسمانی او پیدا بود. این زبان فقط برای عیسی در عهد جدید استفاده شده است، یا توسط او در یک مثال، انگار این احساسِ تمایل کمک به دیگران در عیسی از هر کس دیگری قوی‌تر بود. ما این اندیشه را در این دو بخش می بینیم:

و چون انبوه جماعتها را دید، **دلش بر حال آنان سوخت** زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان، پریشانحال و درمانده بودند. (مَتّی 9: 36).

'زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعفهای ما همدردی کند، **بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است**،.... (عبرانیان 4: 15).

خداوند (عیسی) مشکلات ما را درک و احساس می‌کند برای اینکه او خود نیز مانند ما وسوسه شد. این درک، از نقاط ضعف و مشکلات ما در دلسوزی او نشان داده شده است؛ که واقعاً می‌خواست به مردمی که رنج می کشیدند و به قدرت شفابخشی او نیاز داشتند یا بدون غذا و گرسنه بودند کمک کند.

ما می‌دانیم قدرت روح القدوس بدون محدودیتی به عیسی مسیح داده شده بود، او می توانست هر کاری بکند از جمله گرفتن تمام پادشاهی­های جهان، اگر می‌خواست. با این وجود او با وسوسه­ی استفاده از قدرتش برای انجام این کار مقاومت کرد حتی به نظر می رسد برخی از افراد بیمار و نیازمند هم که برای کمک گرفتن نظرش آمدن شفای معجزه آسا دریافت نکردند.

'شامگاهان، پس از غروب آفتاب، **همۀ بیماران و دیوزدگان را نزد عیسی آوردند**.

مردمان شهر **همگی** در برابر دَر گرد آمده بودند!

عیسی **بسیاری** را که به بیماریهای گوناگون دچار بودند، شفا داد و نیز دیوهای **بسیاری** را بیرون راند، امّا نگذاشت دیوها سخنی بگویند، زیرا او را می‌شناختند.

بامدادان که هوا هنوز تاریک بود، عیسی برخاست و خانه را ترک کرده، به خلوتگاهی رفت و در آنجا به دعا مشغول شد.

شَمعون و همراهانش به جستجوی او پرداختند.

چون او را یافتند، به وی گفتند: «همه در جستجوی تو هستند!»

عیسی ایشان را گفت: «بیایید به روستاهای مجاور برویم تا در آنجا نیز موعظه کنم، زیرا برای همین آمده‌ام. (مَرقُس 1: 32-38).

مرقس به صورت روشن به ما می گوید همه **کسانی** که در شهر مریض بودند به طرف عیسی رفتند ولی به نظر می‌آید او زمان شفا دادن به همه در آن روز را نداشت. و فردای آن روز او تصمیم گرفت به شهر برای شفا دادن بقیه مردم برنگردد بلکه به شهر بعدی برای موعظه­ی خبر خوش برود. او متوجه شده بود که نمی‌تواند از راه از قدرت معجزه، برای آسایش و از بین بردن رنج‌های همه مردم اطرافش برای همیشه و به طور کامل استفاده کند. تنها راه حل مشکل، در تحقق پیام خبر خوش، که خدا فرزندش را فرستاده برای از بین بردن گناه جهان و با بخشیدن گناهان راه حل دائمی برای مشکل رنج به وجود آید.

علاوه بر این بخشش گناهان از طریق زندگی بی نقص و مرگ مسیح اتفاق افتاد. و گفتهایم این انسان بدون گناه در رسیدن به این هدف برای ما **رنج** کشید.

'به‌جا بود خدا که همه چیز برای او و به واسطۀ او وجود دارد، برای اینکه پسران بسیار را به جلال برساند، قهرمانِ نجات ایشان را از راه تحمل **رنج**، کامل گرداند. ' (عبرانیان 2: 10).

'هرچند پسر بود، با **رنجی** که کشید اطاعت را آموخت. ' (عبرانیان 5: 8).

با توجه به ملاحظات عیسی، نکات بسیار مهم بسیاری در مورد مسئله رنج آموخته ایم.

1. عیسی مسیح مشکلات مردم را درک می‌کند و احساس عمیقی برای آنان که رنج می‌کشند دارد. او مانند پدرش به شاگردانش اهمیت می‌دهد.
2. گرچه او خیلی از مردم را با قدرت روح القدس شفا داد، او قادر نبود به طور کامل رنج ها را از این طریق دور کند. ما قدرتی عیسی را وقتی که به مردم کمک می‌کنیم نداریم، همچنین ما نمی‌توانیم مشکلات مشکلاتشان را به طور کامل حل کنیم.
3. عیسی فهمید که گناه عامل رنج است، نه لزوماً گناه کسی که رنج می برد (یوحنا 9: 1-3). اما از از راهی که گناه وارد جهان شد و برای بشریت از آن زمان وجود داشته است.

پس، همان‌گونه که گناه به واسطۀ یک انسان وارد جهان شد، و به واسطۀ گناه، مرگ آمد، و بدین‌سان مرگ دامنگیر همۀ آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند. (رومیان 5: 12).

همچنین او متوجه شد که تنها راهی که رنج کاملا می تواند از دنیا پاک شود از طریق زندگیِ او و مرگ بر روی صلیب برای بخشش گناهان است.

1. رنج ای سی در رشد شخصیت او کمک کرد، به وسیله یاد گرفتن و عمل کردن به فرمان خدا.

این نکته آخر به ما کمک می کند که چگونه در زندگی خود رنج را درک کنیم. مشکلات برای همه زنان و مردان به وجود می‌آید چه شاگردان ایثار باشند چه نباشند.

'و باز دیدم که زیر آفتاب، مسابقه از آنِ تیزرُوان نیست و نه جنگ از آنِ نیرومندان و نه نان برای حکیمان، و نه ثروت برای فهیمان و نه نظر لطف برای عالِمان، بلکه در همگی دست زمان و حادثه در کار است. ' (جامعه 9: 11).

نکته مهم این است که ما مشکلاتی که بر ایمان اتفاق می­افتد را درک کنیم. کتاب مقدس از ما می­خواهد که رنج ها را به عنوان شکلی از تادیب خدا قبول کنیم.

'و آن سخن تشویق‌آمیز را از یاد برده‌اید که شما را پسران خطاب کرده، می‌گوید: «ای پسرم، تأدیب خداوند را خوار مشمار، و چون توبیخت کند، دلسرد مشو.

زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند، و هر فرزند خود را که می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید.»

سختیها را به منزلۀ تأدیب تحمل کنید؛ خدا با شما همچون پسران رفتار می‌کند. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟

اگر شما تأدیب نشده‌اید، در حالی که همه از آن سهمی داشته‌اند، پس حرامزاده‌اید، نه فرزندان حقیقی.

به‌علاوه، همۀ ما پدران زمینی داشته‌ایم که تأدیبمان می‌کردند، و ما به آنها احترام می‌گذاشتیم. حال، چقدر بیشتر باید پدر روحهایمان را اطاعت کنیم تا حیات داشته باشیم.

پدران ما کوتاه‌زمانی بنا بر صلاحدید خود، ما را تأدیب کردند. امّا خدا برای خیریت خودمان ما را تأدیب می‌کند تا در قدّوسیت او سهیم شویم.

هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است. امّا بعد برای کسانی که به وسیلۀ آن تربیت شده‌اند، میوۀ آرامش و پارسایی به بار می‌آورد. ' (عبرانیان 12: 5-11)

خدا به کسانی که از طریق خداوند عیسی مسیح به او تعلق دارند اهمیت می‌دهند آنها فرزندان و هستند و پدر دوست داشتنی برای آنهاست همانطور که پدران بشر که آنها را آموزش می‌دهند و آنها را تعدیل می کنند چون آنها را دوست دارند بنابراین خدا به فرزندان خود آموزش می دهد اگر اتفاقات سختی در زندگی ما رخ می‌دهد به عنوان آموزش معنوی توسط پدری که ما را دوست دارد بپذیریم پس قادر خواهیم بود در کنیم که حرف تجربه‌ای در زندگی ما می‌تواند به ما کمک کند و در هنگام حرکت به سمت پادشاهی خدا.

'می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق ارادۀ او فرا خوانده شده‌اند، همۀ چیزها با هم برای خیریت در کار است. ' (رومیان 8: 28).

**مثالی از ایوب**

در عهد عتیق زندگی و رنج های مردی به نام ایوب گفته شده. او مردی به نظر می رسید که همه چیز در زندگی داشت.

او در همه کارهایش از خدا می ترسید. (ایوب 1: 1)

تعداد زیادی فرزند داشت. (1: 2)

خیلی ثروت بسیار زیادی داشت. (1:3)

بسیار مورد احترام قرار می گرفت. (29: 7- 11)

زندگی او سرشار از کارهای خوب بود. (29: 12- 16)

با این وجود او به طرز هولناکی رنج برد. فرزندانش کشته شدند، ثروتش از بین رفت (1: 13- 19) و سرانجام سلامتی­اش را از دست داد و به طور ناراحت‌کننده‌ای مریض شد. (2: 6- 8). پاسخ او به همه اینها این بود:

"آیا نیکویی را از خدا بپذیرند و بدی را نپذیرم؟" (ایوب 2: 10).

اگرچه مردانی بودند که گل‌های او را به سرقت برده بودند و با قباد بزرگی خانه­ی او را خراب کرده و فرزندان او کشته شدند، او متوجه بود که تمام این رنج ها از طرف خداست. او متوجه شد که نمی تواند به خوبی فقط چیزهای خوب را از خدا بخواهد. این تصمیم او نبود که خدا باید چه کند.

آن زمان هر چند "رنجهای او خیلی بزرگ بود" و "او آرزو می‌کرد که خدا جانش را بگیرد" (6: 9)، تنها راه حلی که او می‌توانست دریابد قبر بود. ایوب مانند خیلی از انسان‌ها، در نتیجه رنجها، به خدا گفت "چرا این اتفاق برای من افتاد؟".

'اگر گناه کرده‌ام، به تو چه کرده‌ام، ای پاسبانِ آدمیان؟ چرا مرا هدف تیر خود ساخته‌ای؟ آیا برای تو باری سنگین شده‌ام؟

چرا نافرمانی‌ام را عفو نمی‌کنی، و مَعصیتم را دور نمی‌سازی؟ زیرا اکنون در خاکِ زمین خواهم خفت؛ آنگاه مرا خواهی جُست و نخواهم بود. (ایوب 7: 20- 21).

رنجها و تهدیدها راههای مهمی به ارمغان می‌آورند که خدا در زندگی ما انجام می دهد. اما در مورد گناه خاصی سرزنش نمی شویم- در کتاب ایوب چیزی نبود که نشان دهد ایوب گناه کرده است گرچه همه دوستانش گفتند که باید چنین می شد. عذاب خدا این بود که از پیشرفت غرور معنوی جلوگیری کند، برای متوجه کردن او، گرچه او در طول زندگی اش یک خداترس بود، چیزی برای ارائه به خدا، جز پذیرش فروتنانه­ی اراده او نداشت.

در انتهای کتاب مردی به نام اِلیهو تشخیص داد که ایوب به کسی نیاز دارد که قبل از خدا آن را توضیح دهد.

الیهو در مورد ایوب گفت:

اگر او را فرشته‌ای باشد، واسطه‌ای، یک از هزار، تا آنچه را برای انسان درست است به او اعلان کند،

و او را مورد لطف خویش قرار داده، بگوید: ”او را از فرو رفتن به گودال برهان؛ زیرا برایش کفاره‌ای یافته‌ام.“

آنگاه گوشت تنش چون طفل لطیف خواهد شد، و به ایام جوانی خویش باز خواهد گشت.

آنگاه از درگاه خدا تمنا خواهد کرد، و او وی را مستجاب خواهد نمود؛ با فریاد شادمانی روی خدا را خواهد دید، و خدا پارسایی وی را بدو باز خواهد گردانید.

سرودخوانان نزد مردمان آمده، خواهد گفت: ”گناه کرده‌ام و حقّ را مخدوش ساخته‌ام، اما مرا سودی نبخشید.

او نَفْس مرا از فرو رفتن به گودال فدیه داد، و جان من روشنایی را خواهد دید.“ ' (ایوب 33: 23- 28).

گرچه ما بسیار رنج می‌بریم، اگر واسطه ای وجود داشته باشد که علت آن را قبل از خدا بیان کند، آرامش و قبول چیزهایی که در زندگی اتفاق می‌افتد را احساس خواهیم کرد. و ما متوجه مشکلاتی که با آن روبرو هستیم می‌شویم غم ها تمام نمی‌شوند اما نجات در پادشاهی خدا خواهد آمد. نقش خداوند عیسی مسیح است؛ به واسطه­ی ماست، او در دست راست خدای قادر مطلق است و برای دعای ما. ایمان به این، به ما کمک می‌کند با هر رنجی در زندگیمان روبرو شویم، همانطور که پلوس رسول نوشته:

'کیست که محکومشان کند؟ مسیحْ عیسی که مرد، بلکه برخیزانیده نیز شد و به دست راست خداست، اوست که برای ما شفاعت می‌کند!

کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ سختی یا فشار یا آزار یا قحطی یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟

چنانکه نوشته شده است: «ما همۀ روز، به‌خاطر تو به کام مرگ می‌رویم و همچون گوسفندان کُشتاری شمرده می‌شویم.»

به‌عکس، در همۀ این امور ما برتر از پیروزمندانیم، به واسطۀ او که ما را محبت کرد.

زیرا یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاستها، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه هیچ قدرتی،

و نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی خلقت، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیحْ عیسی است، جدا سازد.' (رومیان 8: 34- 39).

سرانجام هنگامی که خدا بزرگی و قدرتش را به ایوب نشان داد او فروتنانه این کلمات را گفت:

'گوشِ من دربارۀ تو شنیده بود، اما حال چشمانم تو را می‌بیند؛ از این رو از خویشتن کراهت دارم، و در خاک و خاکستر توبه می‌کنم'(ایوب 42: 5 و6)

ایمان عیوب توسط خدا با رنج مورد آزمایش قرار گرفت. از طریق آنها او به درک و فهم کاملتری از خدا دست پیدا کرد. آن زمان بود که او همه چیزش را خانواده، ثروت و سلامتی را از دست داده بود و به این درک رسید که خدا تنها پناه او است، و تنها کسی است که می توانست به او کمک کند. او با رنج هایش به مانند خداوند عیسی مسیح تبدیل شد کسی که "از طریق رنج کامل شد".

**فقر**

وقتی خدا اسرائیل را برای بیرون آمدن از مصر را رهبری کرد و قوانین خود را در کوه سینا به آنها داد، دستور داد که چگونه به عنوان یک قوم با هم زندگی کنند. بعضی از این قوانین به نوعی طراحی شده بود که به کسانی که فقیر هستند و اطمینان دهد که با فقر خود کاملا از بین نمیرود.

'اگر برادرت فقیر شود و محتاج تو گردد، از او مانند غریب و میهمان دستگیری کن تا بتواند در جوار تو زندگی کند. از او رِبا و سود مَسِتان، بلکه از خدای خود بترس، تا برادرت بتواند در جوار تو زیست کند.' (لاویان 25: 35 و36).

همسایگان ایشان اجازه نداشتم به خاطر بدبختیهایشان منفعت بگیرند خدا گفته:

"در خصوص برادرانتان بنی اسرائیل، کسی نباید بر دیگری بی رحمانه حکم براند." (لاویان 25: 46).

این به آن معنا نیست که افراد تنبل و نمی‌تواند کاری انجام ندهد و به سخاوتِ همسایگان خود متکی باشند؛ خدا به آدم دستور داده بود که برای غذا کار کنند و این اصل در سراسر کتاب مقدس صادق است، پلوس به جماعت تسالونیکی نوشت:

'زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد' (دوم تسالونیکیان 3: 10).

با این حال، خدا می دانست که همیشه افراد فقیری وجود دارند و اعلام کرد که برادران و خواهران­شان در کمک به آنها مسئولیت دارند.

'زیرا نیازمند از سرزمین شما رخت نخواهد بست. از همین رو، شما را فرمان داده می‌گویم: ”دست خویش را بر برادران فقیر و نیازمند خود که در سرزمین شمایند، بگشایید! (تثنیه 15: 11).

خداوند عیسی مسیح این اصل را کاملاً درک کرد. ما در انجیل می‌خوانیم که او دستش را دراز کرد و به روش‌های مختلف مردم کمک کرد. در تثنیه 15 این اصلِ محقق شده، نشان داده شده است.

با این حال، ما دیده ایم که عیسی در دوران خدمت خود مشکلات اسرائیل را حل نکرد. مواردی وجود دارد که اوضاع در اواخر وزارت او بدتر از ابتدا بود زیرا مردم قلب خود را نسبت به پیام‌های بسته بودند؛ ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر شدند. رفع فقر تنها با بازگشت عیسی مسیح به زمین و برقراری پادشاهی خدا میسر می شود که در آن قوانین خدا توسط همه ملت ها دنبال میشود.

'زیرا او نیازمند را هنگامی که فریاد برمی‌کشد، رهایی می‌بخشد، و ستمدیده را، و کسی را که یاوری ندارد. بر بینوا و نیازمند ترحم می‌کند، و جان نیازمندان را نجات می‌بخشد. ' (مزمور 72: 12 و 13).

این آموزه­ها امروزه باید به عنوان الگویِ راهی باشد که شاگردان ثروتمند برادران و خواهران فقیر خود کمک کنند. آنها نمی‌توانند فقرا را ریشه‌کن کنند، اما در صورت لزوم می‌تواند طوری عمل کند که تضمین کند کسی به خاطر فقر به نابودی کشیده نشود.

مسئولیت این امر قبل از هر چیز به عهده خانواده شاگردی است که مشکلی دارد. این همان چیزی است که خدا به اسرائیل آموخت، که اول خویشان آن فرد مسئول یاری رساندن به او بودند. (لاویان 25: 25). اگر امکان پذیر نیست شاگردانی که به یک کلیسا یا جمع تعلق دارند باید کاری که از دستشان برای برادران و خواهران فقیر و نیازمند خود قابل انجام است را انجام دهند. در نهایت، اگر احتیاج به کمک بیشتر از جاهای دیگر داشتند باید تقاضای کمک کنند، ولی فقط با تایید کلیسای خودشان.

**صندوق رفاه CBM**

خیلی از دانش آموزان این دوره متوجه خواهند شد که "Christadelphian Bible Mission" یک صندوق رفاه دارد و دانستن در مورد چگونگی عملکرد آن مهم است.

* صندوق رفاه برای کمک به برادران و خواهران نیازمند ایجاد شده. این صندوق به دانش آموزانی که غسل تعمید داده نشده اند و در حال گذراندن کلاس ها هستند کمکی نمی‌کند. دلیل این امر این است که آنها به یک دلیل اشتباه دوره کلاسهای بایبل را می‌گذرانند و غسل تعمید می شوند- آنها با انجام این کار به دنبال منفعت مالی هستند. این چیز جدیدی نیست رسولان هم در زمان موعظه هایشان مشکلات مشابهی داشتند. (اعمال رسولان 8).
* کمکهای صندوق در موقعیت‌های واقعاً اضطراری، جایی که کمک دیگری در دسترس نباشد ارائه می‌شوند. به طور کلی برای معالجه فوریت­های پزشکی یا برای قحطی وجود دارد. به عنوان یک پرداخت منظم برای بالا بردن سطح استاندارد زندگی افراد داده نمی شود.
* تصمیمات مربوط به کمک صندوق توسط برادران ارشد همونجام گرفته می‌شود به عنوان کسی که شرایط را به خوبی می داند.

**پاسخ کتاب مقدس**

تنها جواب درست به مشکلات، رنج­ها و فقر، آمدن عیسی مسیح و برقراری پادشاهی خداست. وقتی عیسی بیاید به شاگردان واقعی زندگی ابدی می‌دهد کسانی و با او همیشه زندگی و سلطنت می کنند. هر مشکلی که ما با آن روبرو هستیم در مقایسه با چیزی که منتظرش هستیم ناچیز است، چیزهایی که خدا وعده آنها را داده به کسانی که او را دوست دارند و دستوراتش را انجام می دهند.

**" من صدای بلند را از عرش شنیدم که می‌گوید،**

**ببین، محل زندگی خدا با انسان است.**

**او با آنها زندگی خواهد کرد، و با آنها قوم او خواهند بود، و خودِ خدا به عنوان خدایِ آنها با آنها خواهد بود.**

**او هر اشکی را از چشمانشان پاک می کند، و مرگ دیگر نخواهد بود،**

**دیگر سوگواری، گریه و درد وجود نخواهد داشت،**

**زیرا چیزهای قبلی تمام شده اند."**

**سوالات**

1. بزرگترین اثبات برای اینکه خدا به دنیا اهمیت می‌دهد چیست؟
2. عیسی چه کاری برای نجات دنیا از رنج و گناه انجام داد؟
3. نوع دید یک شاگرد نسبت به رنج در زندگی‌اش چگونه باید باشد؟
4. چرا خدا عیوب را مورد رنج قرار داد؟
5. چه موقع رنج و فرد به طور کامل از بین میرود؟
6. از لوقا 21: 1- 4 چه درسی میگیریم؟